حکایت جنگ و تحریم

شراره‌های خورشید نوشته گل‌علی بابایی و حسین بهزاد

شرحی جامع از عملیات سرنوشت‌ساز خیبر است

دفاع مقدس

مهرداد دیلمی
روزنامه‌نگار

بیا عاشقی را رعایت کنیم
ز یاران عاشق حکایت کنیم
از آنها که خونین سفر کرده‌اند
سفر بر مدار خطر کرده‌اند
از آنها که خورشید فریادشان
دمید از گلوی سحرزادشان...
بیا با گل لاله بیعت کنیم
که آلاله‌ها را حمایت کنیم

سیدحسن حسینی

هفته دفاع مقدس امسال به‌خاطر جنگ تحمیلی دوازده روزه‌ای که روزهای پایانی خرداد و ابتدای تیرگذراندیم، رنگ و بوی دیگری دارد و بازخوانی دفاع مقدس اول و جنگ هشت ساله بیش از پیش ضرورت پیدا کرده، از این رو در هفته دفاع مقدس در صفحه کتاب به مرور کتاب‌های حوزه دفاع مقدس و ادبیات مقاومت خواهیم پرداخت.

«شراره‌های خورشید» اثر مشترک گل‌علی بابایی و حسین بهزاد که توسط نشر ۲۷ بعثت منتشر شده، ششمین کتاب از مجموعه «حماسه ۲۷»؛ کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله» است، که رویدادهای خرد و کلان جنگ تحمیلی طی چهار ماه پایانی سال ۱۳۶۲ و عملیات آبی ـ خاکی خیبر را در بر می‌گیرد؛ عملیاتی که بزرگ‌ترین عملیات آبی و خاکی در تاریخ جنگ‌های مدرن است. در این اثر، خواننده حوادث و ماجراهای شگفت‌انگیزی از تاریخچه لشکر ۲۷ و واپسین ماه‌های حیات دنیوی فرمانده پرآوازه آن، شهید محمدابراهیم همت را می‌خواند، که عمده آنها از جمله مهم‌ترین ناگفته‌های دوران دفاع مقدس بوده و اولین بار در قالب اثری مکتوب، منتشر شده است. بابایی و بهزاد به عنوان پژوهشگران برجسته تاریخ جنگ ایران و عراق، از جمیع منابع برای نوشتن این کتاب بهره برده‌اند؛ از جمله کتاب‌های مختلفی که درباره جنگ، آمریکا و رابطه‌اش با عراق و... نوشته شده یا مصاحبه‌هایی که با چهره‌های مختلف در این زمینه منتشر شده است. بازه زمانی وقایع مندرج در این کتاب، از فردای خاتمه عملیات والفجر۴ در جبهه مریوان پنجوی شروع می‌شود و در آخرین روز اسفند ۱۳۶۲ و روزهای پایانی عملیات آبی ـ خاکی خیبر، پایان می‌گیرد. عملیاتی که در جریان آن رزمندگان کادری و بسیجی لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله در مصاف با یگان‌های سپاه سوم ارتش بعث، مکرر در مکرر کربلا را تجربه کردند، چه بسیار رنج‌ها بردند و چه بسیارتر حماسه‌ها آفریدند و در نهایت، متحمل ضرباتی بر شاکله رده‌های ستادی و صف یگان همیشه خط‌شکن خود شدند؛ به فاصله چهل و هشت ساعت، ابتدا قائم مقام فرماندهی و سپس فرمانده این یگان در جزیره جنوبی مجنون مظلومانه به شهادت رسیدند.

ماجرای تحریم و تنگه

این روزها که بحث اسنپ‌بک و مکانیسم ماشه و احتمال بازگشت بخشی از تحریم‌های ظالمانه علیه ایران وجود دارد بازخوانی فصل اول کتاب «شراره‌های خورشید» اطلاعات مستند جالبی درباره تحریم‌های نظامی و اقتصادی آمریکا علیه ایران و تهدید ایران به بستن تنگه هرمز در اختیار خواننده قرار می‌دهد و کاملاً روشن می‌شود که آمریکا تنها در این دو دهه نیست که برای فشار به ایران از ابزار تحریم استفاده می‌کند و از همان سال‌های پیروزی انقلاب متوسل به این حربه شده و دور زدن تحریم‌ها هم از همان زمان در دستور کار ایران بوده است.

بسیاری از امکانات و لوازمی که ایران در سال‌های دفاع مقدس داشت، آمریکایی بودند چرا که ایران در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تقریباً همه جنگ‌افزارهایش را از آمریکا خریداری کرده بود. سال ۱۹۸۴ دولت ریگان ایران را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داد. پیش از آن نیز در سال ۱۹۸۰ دولت کارتر تحریم‌هایی را علیه ایران کلید زد که در دولت ریگان ادامه پیدا کرد. به این ترتیب، ایرانِ درگیر جنگ با عراق، برای ادامه کار هواپیماهای جنگی‌اش ناچار بود از بازار سیاه خرید کند اما خرید از بازار سیاه نیز مشکلات خودش را داشت و در واقع دور زدن تحریم‌ها راحت نبود چون در وهله اول، ایران ناچار بود کالاهای مورد نیازش را که ساخت آمریکا بودند، با قیمتی بسیار گران‌تر از قیمت واقعی خریداری کند. دومین مشکل این بود که اجناس خریداری شده به دست مأموران گمرک آمریکایی می‌افتاد و به مقصد (یعنی ایران) نمی‌رسیدند و بارها این اتفاق افتاد. پیش از رسیدن به عملیات خیبر، ایران چند عملیات موفق داشت و ورق جنگ به نفع ایران برگشته و کشورهای حامی عراق به فکر راهکاری برای جلوگیری از پیشروی و پیروزی نهایی ایران در جنگ بودند. در این باره، یکی از سیاستمداران آمریکایی به نام ریچارد فربنکز نقل کرده است: «ما به نفع خود می‌دیدیم که جنگ به پایان برسد. چون ادامه آن خطرناک بود. تنها برنده جنگ در این مرحله (منظورش آغاز زمستان ۶۲ و عملیات خیبر است) ایران بود.»

پیش از شروع عملیات خیبر، در سال ۶۲ بود که نام عراق از فهرست کشورهای حامی تروریسم حذف شد. بابایی و بهزاد در کتاب «شراره‌های خورشید» بخش‌هایی از نوشته‌های آلن فریدمن ـ نویسنده آمریکایی ـ را به عنوان سند و مدرک در این زمینه آورده‌اند. آلن فریدمن در کتاب «تار عنکبوت؛ تاریخ سری چگونگی تسلیح غیر قانونی عراق توسط کاخ سفید» می‌نویسد: «حذف نام عراق از لیست کشورهای حامی تروریسم، زمین را برای اجرای سیاست‌های پنهان واشنگتن در قبال بغداد مساعد ساخت.» در همان دورانی که نام عراق از فهرست کشورهای حامی تروریسم حذف شد، ویلیام کیسی، رئیس وقت C.I.A و همکارانش در کاخ سفید، ملک حسین بن طلال پادشاه اردن را واسطه مطمئنی برای رساندن تسلیحات آمریکایی به عراق می‌دانستند. آمریکا از ابتدای جنگ، به صدام کمک نمی‌کرد بلکه کمی پیش از مقطع عملیات خیبر و در قالب عملیات «آمریکن استانچ» بود که سران و حاکمان آمریکا درباره کمک به صدام به اجماع رسیدند. طبق اسناد تاریخی، در جولای سال ۱۹۸۲ که همزمان با آغاز عملیات رمضان بود، جلسه‌ای با حضور ریگان رئیس جمهوری آمریکا، رؤسای مجلس سنا و کنگره و همچنین رئیس سازمان CIA در کاخ سفید برگزار شد که دستور کار اصلی‌اش، بحث درباره جنگ ایران و عراق بود. نظر همه شرکت‌کنندگان در این جلسه، این بود که اگر واشنگتن مایل است از پیروزی ایران در جنگ جلوگیری کند، باید مقداری از اطلاعات جاسوسی ـ نظامی حساس خود و مهم‌تر از آن، عکس‌های ماهواره‌ای خود را در اختیار صدام قرار دهد. پس از شروع عملیات «آمریکن استانچ»، اعمال تحریم‌های سخت علیه ایران هم در سال ۶۲ شدت بیشتری گرفت و نه تنها فروش امکانات نظامی به ایران جرم محسوب می‌شد بلکه جلوی خریدهای غیرنظامی ایران از دیگر کشورها نیز گرفته شد. هدف «آمریکن استانچ» از بین بردن امیدواری ایران برای پیروزی بود. استراتژی «از بین بردن اصل امید» با در نظر گرفتن چهار اصل تدوین شد: ۱- تقویت اقتصاد عراق ۲- ایجاد محدودیت در منابع ارزی ایران ۳- اجرای عملیات آمریکن استانچ با هدف جلوگیری فروش سلاح به ایران و ۴- ایجاد محدودیت برای خروج و فروش نفت ایران. اتفاق مهمی که پس از شروع عملیات «آمریکن استانچ» مطرح شد، انتشار خبری مبنی بر درخواست عراق از فرانسه برای اجاره ۵ فروند هواپیمای جنگنده سوپر اتاندارد بود. از این جنگنده بمب‌افکن فرانسوی در مجموع ۸۵ فروند ساخته شد که کاربرد اصلی‌شان در نیروی دریایی فرانسه بود و در دو جنگ از آنها استفاده شد؛ جنگ ایران و عراق و نبرد فالکلند بین انگلستان و آرژانتین. طارق عزیز به آمریکایی‌ها گفته بود اگر آمریکا می‌خواهد حسن نیت خود را درباره جنگ ایران به عراقی‌ها نشان بدهد، عدم مخالفتش را با تحویل سوپر اتاندارد‌ها، به فرانسه اعلام کند. ایران با شنیدن خبر احتمال تحویل این هواپیماها به عراق، تهدید کرده بود اگر فرانسه این کار را انجام دهد، تنگه هرمز بسته خواهد شد. نیمی از نفت مصرفی جهان از این تنگه عبور می‌کرد و تهدید ایران باعث ترس انگلستان شد. به همین دلیل وزارت امور خارجه انگلستان از دولت فرانسه درخواست کرد از تحویل سوپر اتاندارد‌ها به عراق خودداری کند اما آمریکا در واکنش به تهدید ایران، ناو هواپیمابر رنجر را با یک گردان زرهی از آمریکا به اقیانوس هند فرستاد. عراقی‌ها از طریق سوپر اتاندارد می‌خواستند نفتکش‌های ایرانی را هدف قرار دهند تا با فلج شدن جریان صدور نفت، ایران از پا درآمده و از ادامه جنگ ناتوان شود. پس از این کشمکش‌ها، صدام در نشست خبری ۱۳ اکتبر ۱۹۸۳ با لحن تندی گفت: «فرانسه یا تا آخر این ماه هواپیماهای مزبور را به عراق تحویل می‌دهد یا دیگر هرگز به وجودشان نیازی نخواهیم داشت.» ایران که آن زمان فکر می‌کرد فرانسه در تحویل هواپیماها تردید دارد، دست از تهدید بستن تنگه برداشت. در نهایت فرانسه در سکوت کامل و زمانی که توقعش نمی‌رفت، هواپیماها را به عراق تحویل داد. پس از این تحویل، نفتکش‌های ایرانی در جزیره خارک و دیگر جزایر صدور نفت، مورد حمله قرار گرفتند و جنگ نفتکش‌ها شروع شد. از ۵ فروند سوپر اتاندارد که صدام از فرانسه اجاره کرد، F۱۴-های نیروی هوایی ایران، ۲ فروند آنها را سرنگون کرده و یک فروند دیگر هم در درگیری با هواپیمای ایرانی، آسیب دید و هنگام فرود در عراق، از بین رفت. بنابراین عراق تنها توانست ۲ فروند را به فرانسه برگرداند.

شراره‌های خورشید
کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله در عملیات آبی خاکی خیبر زمستان ۱۳۶۲
- نویسنده: گل‌علی بابایی حسین بهزاد
- انتشارات: نشر ۲۷ بعثت
- تعداد صفحه: ۹۳۶ صفحه
- قیمت: ۶۰۰۰۰۰ تومان

همت در شراره‌های خورشید

شهید همتی که در «شراره‌های خورشید» می‌بینیم، با شخصیتی که در بیشتر کتاب‌ها و مستندهای تلویزیونی چون «سردار خیبر» (از مجموعه روایت فتح) سراغ داریم، متفاوت است. در این کتاب تنها دو خاطره از همسر شهید همت روایت می‌شود که یکی از آنها در ضمیمه فصل پایانی کتاب درج شده است. بنابراین همتی که در این کتاب می‌شناسیم، فرمانده‌ای است که کل روز را از ابتدا تا انتها مشغول فرماندهی نیروهای درگیر در معرکه است و تنها زمانی می‌خوابد که پس از ۵ روز کار و خستگی از هوش برود! با خواندن این کتاب، مخاطبی که از طریق کتاب‌ها و مطالعه با شهید همت آشنا شده باشد، به خوبی متوجه می‌شود چرا این شخصیت فرصت نمی‌کرده برای دیدار همسر و فرزندش به پشت جبهه برگردد. در این کتاب همچنین مشخص می‌شود چرا لقب «سیدالشهدای جنگ ایران و عراق» به محمدابراهیم همت اعطا شد. همت فرمانده‌ای بود که نیروهایش را به رویکرد و نظریه عاشورایی جنگیدن ترغیب می‌کرد و خود به آن جامه عمل پوشاند. از جمله حقایق جالب توجه عملیات خیبر، وضعیتی است که در آن اعلام شد به دلیل کمبود نیروی نظامی و حساسیت موجود روی حفظ مواضع گرفته شده، فرماندهان رده بالا از فرمانده سپاه گرفته تا دیگر مدیران اسلحه به دست بگیرند و با دشمن بجنگند. در این زمینه شهید همت نیز تیرباری به دست گرفت و برای نبرد اعلام آمادگی کرد. این اعلام آمادگی در پی فرمان امام خمینی برای حفظ جزایر مجنون، صورت گرفت. سخنان، مواضع و طریقه مدیریت شهید همت در عملیات خیبر و سخنانی که در جلسات با فرماندهان گردان‌های مختلف یا افراد مافوق خود دارد و از نوار پیاده، و در این کتاب درج شده‌اند، حاوی مطالب مستند و عبرت‌آموز برای نظامیان امروز کشور هستند. اهمیت داشتن تک‌تیرانداز و آموزش نیروهای بسیجی برای تک‌تیراندازی، اهمیت آموزش عقیدتی و سیاسی و داشتن روابط عمومی، تربیت معنوی و عرفانی نیروها در مقابل آموزش صرف احکام و شرعیات و... از جمله موارد جالبی است که در صحبت‌های شهید همت با مسئولان لشکر ۲۷ به آنها بر می‌خوریم.

آخرین دیدار حاج قاسم و حاج همت

در صفحه ۷۳۳ کتاب «شراره‌های خورشید» آخرین دیدار حاج قاسم سلیمانی و حاج ابراهیم همت این‌گونه روایت شده است: «قاسم سلیمانی، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله از آخرین دیدار خود با همت، این گونه یاد کرده است: حوالی بعدازظهر روز هفدهم اسفند بود که دیدم حاج همت با سر و وضعی کاملاً خاک‌آلود و ژولیده، به سنگر ما آمد و از من درخواست تعدادی نیرو کرد، تا بتواند خط خودش را نگه دارد. گویا بیشتر نیروهای همت شهید و مجروح شده بودند. ما یک گردان در انتهای جزیره جنوبی داشتیم. به سیدحمید میرافضلی گفتم: حمید جان؛ با حاج همت برو و از نیروهای آن گردان ما، به قدر یک گروهان جدا کن و آنها را به ایشان بده. حاج همت از من تشکر کرد و بعد به اتفاق میرافضلی، سوار بر یک موتور تریل، راهی محل استقرار آن گردان شدند.» چند ساعت بعد، غروب خون‌رنگ همان روز انتظار حاج ابراهیم همت برای خلاصی یافتن از این خاک‌دان تیره به پایان رسید و فرمانده ۲۹ ساله لشکر محمدرسول‌الله به همراه سیدحمید میرافضلی، مسئول واحد اطلاعات ـ عملیات لشکر ۴۱ ثارالله بر اثر اصابت تیر مستقیم تانک دشمن به موتورشان به شهادت رسیدند.

> فصل اول کتاب «شراره‌های خورشید» اطلاعات مستند جالبی درباره تحریم‌های نظامی و اقتصادی آمریکا علیه ایران و تهدید ایران به بستن تنگه هرمز در اختیار خواننده قرار می‌دهد و روشن می‌شود که آمریکا تنها در این دو دهه نیست که برای فشار به ایران از ابزار تحریم استفاده می‌کند

> هدف «آمریکن استانچ» از بین بردن امیدواری ایران برای پیروزی بود. استراتژی «از بین بردن اصل امید» با در نظر گرفتن چهار اصل تدوین شد: ۱- تقویت اقتصاد عراق ۲- ایجاد محدودیت در منابع ارزی ایران ۳- اجرای عملیات آمریکن استانچ با هدف جلوگیری فروش سلاح به ایران و ۴- ایجاد محدودیت برای خروج و فروش نفت ایران

عملیات ابتکاری و حیثیتی

عملیات خیبر تأثیر بسزایی در روند جنگ داشت

پس از فتح خرمشهر در ادامه اتخاذ استراتژی تنبیه متجاوز، جمهوری اسلامی ایران تلاش زیادی برای تجدید روند پیروزی‌های نظامی در سال ۱۳۶۱ به عمل آورد اما به دلایلی این امر امکان‌پذیر نشد، گرچه بعد از عملیات رمضان و تا اواخر سال ۱۳۶۲ ابتکار عمل در دست جبهه خودی بود ولی موفقیت چشمگیری هم به دست نیامد. برای گریز از این بن‌بست محسن رضایی، شهید علی هاشمی را به فرماندهی قرارگاه سری «نصرت» منصوب کرد. این قرارگاه طراحی عملیات خیبر را پس از انجام یک پروسه اطلاعاتی دقیق به فرماندهان ارائه کرد. هر بار که علی هاشمی نتیجه شناسایی‌ها در هورالهویزه را می‌داد، محسن رضایی امیدوارتر می‌شد. رضایی از قرارگاه نصرت، نه به فرماندهانش چیزی گفته بود و نه به هاشمی‌رفسنجانی، فرمانده جنگ. اولین بار که از نتیجه شناسایی‌ها کاملاً مطمئن شد، به حضرت امام اطلاع داد. امام هم وقتی رسیدن به دجله را در هدفگذاری او دید، خوشحال شد. طرح عملیات خیبر بعد از آزادسازی خرمشهر اهمیت بسیاری داشت و می‌توانست تأثیری جدی در روند جنگ داشته باشد.

عملیات خیبر اولین تجربه اکبر هاشمی‌رفسنجانی در فرماندهی جنگ بود. او قبل از آمدنش به جبهه به امام قول داده بود تا با یک پیروزی به تهران برگردد. هاشمی رفسنجانی در روزنوشت ۳ اسفند ۱۳۶۲ می‌نویسد: «ساعت چهار بعدازظهر به قرارگاه برگشتیم. دو ساعت قبل از شروع عملیات خیبر، با دو قرارگاه تاکتیکی مذاکره کردم و کارها را بررسی نمودم. ساعت شروع عملیات، شش‌ونیم بعدازظهر است. قرارگاه نجف اطلاع داد که گروه پیش‌رو ـ سی قایق ـ که دیروز اعزام شدند، به نقطه‌های تعیین‌شده رسیده و گزارش داده‌اند. وضع عادی و دشمن غافل است. مغرب به قرارگاه اطلاع دادم که عملیات را شروع کنند و منتظر مراسم رسمی پخش دستور قرارگاه مرکزی نباشند.»

عملیات خیبر با رمز «یا رسول‌الله(ص)» در ۳ اسفند ۱۳۶۲ با همکاری ۹ لشکر و ۶ تیپ پیاده به اضافه ۳ تیپ زرهی از یگان‌های عملیاتی سپاه پاسداران و ۵ لشکر از ارتش در دو منطقه مستقل «هورالهویزه» و «زید» با هدف تصرف بصره شروع شد. در شب و روز اول عملیات در محور شمالی نیروهای به جاده العماره- بصره رسیدند. در محور زید نیروها نتوانستند از موانع عبور کنند و عملیات، در آن محور زود متوقف شد اما موفقیت در محور شمالی امیدوار کننده بود. در مرحله بعد گروهی از نیروها می‌بایست از میان هور به جزایر مجنون حمله می‌کردند و باقی از طلاییه که یگانه راه خشکی منطقه شمالی عملیات بود. عملیات در این محور یک روز به تأخیر افتاده بود، اما نیروهای هور از این تأخیر باخبر نشدند و خود را به جزیره جنوبی رساندند. حالا باید نیروهای طلاییه از آنها حمایت می‌کردند که آنها نبودند. شرایط سختی برای نیروهایی که در جزیره جنوبی بودند پیش آمد. پس نیروهای محور طلاییه را مجبور کردند به جای شب در روز حرکت کنند و خود را به آنها برسانند. عراقی‌ها هر چه نیرو و آتش در توان داشتند بر طلاییه متمرکز کردند تا این گروه به جزیره جنوبی نرسند. محمد ابراهیم همت، فرمانده محبوب لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله شهید شد و حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین را با دست قطع شده و بدنی پر از ترکش از صحنه نبرد بیرون بردند. همزمان با نبرد طلاییه، عراقی‌ها به چهار گردان خط شکن از لشکر ۸ نجف اشرف و ۳۱ عاشورا حمله کردند. شهادت مظلومانه نیروهای این چهار گردان سخت‌ترین لحظات خیبر و فرماندهانشان در قرارگاه بود. حمید باکری معاون لشکر ۳۱ عاشورا هم در جزیره شهید شد.

بعدازظهر ۱۴ اسفند از دفتر فرماندهی کل قوا (امام خمینی) به فرماندهان جنگ خبر دادند امام فرموده‌اند جزایر حتماً باید نگه داشته شود. انگار همه چیز از نو شروع شده باشد، روحیه رزمنده‌ها متحول شد و قدرت تهاجمی‌شان چند برابر. فرمانده سپاه به فرماندهان جنگ گفت از جزایر بیرون نمی‌رویم، حتی اگر سازمان سپاه از بین برود.. در نتیجه حفظ جزایر هدف اصلی رزمنده‌ها و فرماندهان بود. بسیاری از فرماندهان قرارگاه هم سلاح به دست گرفتند و به خط مقدم رفتند تا همراه بسیجی‌ها از جزایر دفاع کنند. این عملیات نهایتاً پس از ۱۹ روز نبرد خونین، ۲۲ اسفند ۱۳۶۲ با اشغال جزیره مجنون توسط نیروهای ایرانی به‌پایان رسید. در مرحله اول قرارگاه‌های نجف، نصر و حدید موفق می‌شوند محور الغدیر و القرنه را تصرف کنند و جاده بغداد ـ بصره را به اشغال خود درآورند اما در جزایر مجنون پاکسازی به طول می‌انجامد و عمل الحاق در محور طلائیه صورت نمی‌گیرد. عملیات خیبر تأثیر بسزایی در روند جنگ داشت. از نظر نظامی، ورود قوای ایران به خاک عراق یک تحول جدید به حساب می‌آمد زیرا جزایر مجنون یکی از مناطق استراتژیک به شمار می‌رفت. ابتکار جدید ایران در عملیات خیبر دور از ذهن نظامیان و کارشناسان نظامی بود و این نگرانی آمریکا را دو چندان می‌کرد. در این عملیات فرماندهان بزرگی چون حسین خرازی، ابراهیم همت، احمد کاظمی، مهدی باکری، حمید باکری، مهدی زین‌الدین، کاظم رستگار، کریم نصر به همراه انبوه رزمندگان دلاور قوای دشمن را ده‌ها بار تا آستانه شکست کامل بردند. برخی از این دلاوران همچون شهید حسین خرازی در این عملیات مجروح شدند و سردارانی همانند حاج ابراهیم همت، حمید باکری، اکبر زجاجی، مرتضی یاغچیان (معاون لشکر عاشورا)، حسن نمازی (فرمانده توپخانه قرارگاه کربلا) و بهروز غلامی (فرمانده تیپ امام حسن ع)، همچنین ۷ فرمانده گردان و ۱۸۰۰ نفر از رزمندگان به شهادت رسیدند و حدود ۱۵ هزار نفر نیز مجروح شدند.

دو چهره درخشان خیبر

در خیل فرماندهان برجسته عملیات خیبر، محمدابراهیم همت و علی هاشمی دو چهره ممتاز و درخشان بودند. ابراهیم همت یکی از جوانان فرماندهی بود که به چهره‌ای شاخص در دوران دفاع مقدس مبدل شد. در آغاز یک معلم بود و همین سلوک را با خود به جبهه‌ها برد. او سال ۱۳۵۴ از دانشسرای تربیت معلم اصفهان فارغ‌التحصیل شد و مدتی را در مدارس زادگاهش، شهررضا به تدریس پرداخت. با پیروزی انقلاب وارد سپاه شد و به مناطق عملیاتی کردستان برای نبرد با نیروهای ضد انقلاب رفت. با آغاز جنگ، عملیات فتح‌المبین اولین تجربه او به عنوان فرمانده بود و در جریان عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر نقش مؤثری داشت. همت در پاوه به فرماندهی عملیات منصوب شد و پس از ربوده شدن حاج احمد متوسلیان در لبنان، فرماندهی تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله (که بعداً به لشکر تبدیل شد) را عهده‌دار شد و نقش نیروهای تحت امر او در جریان عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۴ قابل توجه بود. همچنین در تصرف ارتفاعات «کانی مانگا» نقش داشت. همت در میان نیروهای تحت امر خود بسیار محبوب بود. در جریان عملیات خیبر به همرزمانش گفته بود: «باید مقاومت کرده و مانع از بازپس‌گیری مناطق تصرف شده، توسط دشمن شد. یا همه اینجا شهید می‌شویم یا جزیره مجنون را نگه می‌داریم.» و در نهایت ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ طی همین عملیات به شهادت رسید. گلعلی بابایی که یکی از نیروهای لشکر شهید همت بود علاوه بر «شراره‌های خورشید» در کتاب «ماه تمام» هم با عنوان فرعی «سرگذشت نامه مستند معلم بسیجی شهید محمد ابراهیم همت» به فرمانده خود ادای دین کرده است. بابایی معتقد است وجه تمایز همت از دیگر شخصیت‌های جنگ، چه شهدا و چه افرادی که هنوز هم در قید حیات هستند، وجه آموزگاری و معلمی اوست و از این منظر در کتاب «ماه تمام» همت را معلم - فرمانده توصیف می‌کند. رحیم مخدومی هم در کتاب «معلم فراری» که جلد دوم مجموعه «قصه فرماندهان» انتشارات سوره مهر است زندگینامه‌ای داستانی از زندگی شهید همت روایت کرده و کتاب «به فرماندهی همت» نوشته محمدعلی صمدی هم جستاری در زندگی جهادی شهید ابراهیم همت است و نویسنده کوشیده تا ویژگی‌های فردی او را در مسیر دشواری که در تمام سال‌های جهاد طی کرد شرح دهد.

اما علی هاشمی فرماندهی با بینش عملیاتی و اطلاعاتی به طور هم‌زمان بود. به او لقب «سردار هور»، «هوری»، «سردار خیبر»، و «خط شکن» داده‌اند. علی هاشمی ۱۰ دی ۱۳۴۰ در اهواز متولد شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وارد کمیته انقلاب شد و سپس به همراه حسین علم‌الهدی، علی نظرآقایی و دیگر هم‌رزمانش در راستای تشکیل بسیج و سپاه تلاش‌های بسیاری کرد. در روزهای اول جنگ و پیشروی سریع نیروهای عراقی به عمق استان خوزستان، علی هاشمی در جایگاه فرمانده تیپ ۳۷ نور، اقدام به رهاسازی آب کانال سلمان، در منطقه کرخه کور کرد و از پیشروی بیشتر ارتش عراق به حمیدیه و سقوط اهواز جلوگیری کرد. پس از شهادت نظرآقایی، علی شمخانی فرمانده وقت سپاه خوزستان، هاشمی را به‌عنوان فرمانده سپاه حمیدیه منصوب کرد. تیپ ۳۷ نور در عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر نیز شرکت داشت. در آستانه عملیات والفجر مقدماتی، تیپ ۳۷ نور منحل شد و علی هاشمی به فرماندهی سپاه سوسنگرد منصوب شد. در سال سوم جنگ زمانی که بن‌بست جنگی پدید آمده بود محسن رضایی هاشمی را مأمور تشکیل قرارگاه سری نصرت کرد و پس از یک سال کار شناسایی و اطلاعاتی طرح خیبر را ارائه داد و تا زمان شهادت کنترل جزیره مجنون را برعهده داشت. چهارم تیر ۶۷ به دنبال تهاجم ارتش عراق به جزیره مجنون و پس از اطمینان از تخلیه جزیره، علی هاشمی هنگام ترک مقر فرماندهی به همراه علی اصغر گرجی‌زاده (رئیس ستاد سپاه ششم) هدف موشک هلی‌کوپترهای عراقی قرار گرفت و به شهادت رسید و سال ۸۹ پیکرش به همراه سه تن از یارانش پیدا شد. کتاب «گمشده من» سرگذشت قرارگاه سری نصرت و نقش شهید علی هاشمی به روایت محسن رضایی است. محمدهدی بهداروند در این کتاب به شرح فعالیت‌های شهید علی هاشمی از زبان محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران آن زمان می‌پردازد. کتاب «هوری» هم زندگینامه و خاطرات سردار شهید علی هاشمی است که به همت گروه فرهنگی انتشارات شهید ابراهیم هادی تدوین و منتشر شده و بیست‌وهفتمین جلد از مجموعه «قصه فرماندهان» انتشارات سوره مهر نیز با عنوان «مجنون‌هور» به زندگی شهید علی هاشمی اختصاص یافته است.